

When Everything Costs an Arm and a Leg: 4 Money Idioms

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

85 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, I have found the perfect hotel for our summer holiday.

من هتل کامل را برای تعطیلات تابستانی خود پیدا کرده ام.

Perfect location?

مکان کامل؟

Right beside the beach.

درست در کنار ساحل

Perfect rooms?

اتاق های کامل؟

Large, bright, and every room has a sea view.

بزرگ، روشن و هر اتاق دارای منظره دریایی است.

Perfect price?

قیمت کامل؟

Well... perhaps the price is not completely perfect.

شاید قیمت کاملاً کامل نباشد.

How much is it?

چقدر است؟

I would prefer not to say.

ترجیح می دهم حرفی نزنم.

Julia, does this hotel cost an arm and a leg?

آیا این هتل برای یک دست و پا هزینه دارد؟

Possibly one arm, one leg, and a few fingers.

شاید یک بازو، یک پا و چند انگشت.

Then we need a new plan.

سپس به یک طرح جدید نیاز داریم.

Welcome to Your English Toolbox and Practice Arena Five-Minute English.

به Your English Toolbox و تمرین Arena Five-Minute English خوش آمدید.



I am Martin.

من مارتین هستم.

And I am Julia.

من جولیا هستم.

Today we are exploring Lesson Three of our free idioms course: Money.

امروز ما در حال بررسی درس سه دوره رایگان ما: پول.

The course takes you through twenty-five lessons and one hundred useful English idioms.

این دوره شما را از طریق بیست و پنج درس و یک صد اصطلاح انگلیسی مفید است.

Each lesson includes a natural dialogue, clear meanings, grammar notes, examples, listening and interactive practice.

هر درس شامل یک گفتگوی طبیعی، معانی روشن، یادداشت های گرامر، مثال ها، گوش دادن و تمرین تعاملی است.

You can find the course at Your English Toolbox dot com slash idioms.

شما می توانید این دوره را در [Your English Toolbox dot com Cut Words](#) پیدا کنید.

And the direct link to this free lesson is waiting for you in the episode description.

و ارتباط مستقیم با این درس رایگان در انتظار شما در شرح قسمت است.

Today we are learning four expressions: cost an arm and a leg, on a shoestring, make ends meet, and save for a rainy day.

امروز ما چهار عبارت را یاد می گیریم: هزینه یک بازو و یک پا، بر روی یک کفش، به پایان می رسد و برای یک روز بارانی صرفه جویی می کنیم.

Let us return to my beautiful but painfully expensive hotel.

بیایید به هتل زیبا اما دردناک خود برگردیم.

If something costs an arm and a leg, it is extremely expensive.

اگر چیزی یک بازو و یک پا را هزینه کند، بسیار گران است.

The expression is an informal exaggeration.

این بیان یک اغراق غیررسمی است.

You do not really pay with parts of your body.

شما واقعا با بخش هایی از بدن خود پرداخت نمی کنید.

Fortunately.

خوشبختانه

We could say, "That new phone costs an arm and a leg."

می توانیم بگوییم: «این تلفن جدید، یک بازو و یک پا را هزینه می کند.»

Or, "The repairs cost us an arm and a leg."

یا اینکه «تعمیرات به ما یک دست و پا می دهد.»



Notice that cost is irregular.

توجه داشته باشید که هزینه غیر قانونی است.

The past form is also cost, not costed.

فرم گذشته نیز هزینه دارد، نه هزینه.

So the repairs cost us an arm and a leg.

بنابراین تعمیرات برای ما یک دست و یک پا هزینه دارد.

Exactly.

درست است.

Now, if the hotel is too expensive, perhaps we could travel on a shoestring.

حالا اگر هتل خیلی گران باشد، شاید بتوانیم بر روی یک رستوران سفر کنیم.

On a shoestring means using a very small amount of money.

استفاده از مقدار بسیار کمی پول است.

You can travel on a shoestring, make a film on a shoestring, or start a business on a shoestring.

شما می توانید بر روی یک مدل کفش سفر کنید، یک فیلم را بر روی یک مدل کفش بسازید یا یک کسب و کار را روی یک کفش شروع کنید.

And before a noun, we often say a shoestring budget.

و قبل از یک نون، ما اغلب یک بودجه کفش را می گوئیم.

We travelled on a shoestring, but we had a shoestring budget.

ما به یک مدل کفش سفر کردیم، اما بودجه ای برای کفش داشتیم.

That sounds possible.

این ممکن است.

We could stay at a small hostel and prepare our own food.

می توانیم در یک خوابگاه کوچک بمانیم و غذای خودمان را آماده کنیم.

Good.

خوب از آنجا که پس از پرداخت صورتحساب من در این ماه، من به سادگی تلاش می کنم تا به پایان برسد.

Because after paying my bills this month, I am simply trying to make ends meet.

خوب از آنجا که پس از پرداخت صورتحساب من در این ماه، من به سادگی تلاش می کنم تا به پایان برسد.

To make ends meet means to have just enough money to pay for essential living costs.

برای پایان دادن به این معنی است که فقط پول کافی برای پرداخت هزینه های زندگی ضروری داشته باشید.

Rent, food, electricity and transport.

اجاره، غذا، برق و حمل و نقل

It does not mean that you are earning a lot of money.

این بدان معنا نیست که شما پول زیادی کسب می کنید.



It means your income and your necessary expenses can just meet.

این بدان معنی است که درآمد و هزینه های لازم شما فقط می تواند برآورده شود.

And ends is always plural.

و به پایان می رسد همیشه کثرت است.

Make ends meet, not make the end meet.

پایان را ملاقات کنید، نه ملاقات نهایی.

Perhaps an expensive beach hotel is not the right choice when we are trying to make ends meet.

شاید یک هتل ساحلی گران قیمت، انتخاب مناسبی نیست که ما سعی داریم به پایان برسیم.

Especially because I also want to save for a rainy day.

به ویژه به این دلیل که می خواهم روز بارانی را نجات دهم.

To save for a rainy day means to keep money for a future problem or unexpected need.

صرفه جویی در یک روز بارانی به معنای حفظ پول برای یک مشکل آینده یا نیاز غیرمنتظره است.

The rainy day is figurative.

روز بارانی مجسمه سازی است.

You might need the money if your car breaks down or your boiler stops working.

شما ممکن است به پول نیاز داشته باشید اگر ماشین شما خراب شود یا دیگ بخار شما متوقف شود.

You can save for a rainy day or put money aside for a rainy day.

شما می توانید برای یک روز بارانی صرفه جویی کنید یا پول را برای یک روز بارانی کنار بگذارید.

And before a noun, we can talk about rainy-day savings.

و قبل از یک اسم، ما می توانیم در مورد پس انداز روز بارانی صحبت کنیم.

So your plan is to travel on a shoestring and keep your savings for an emergency.

بنابراین برنامه شما این است که به یک کفش بروید و پس انداز خود را برای یک اورژانس نگه دارید.

Exactly.

درست است.

I am beginning to like this plan.

من شروع به دوست داشتن این طرح کردم.

Time for a quick challenge.

زمان برای یک چالش سریع قبل از پاسخ مارتین، اصطلاح صحیح را بگویید.

Say the correct idiom before Martin answers.

زمان برای یک چالش سریع قبل از پاسخ مارتین، اصطلاح صحیح را بگویید.

Situation one.

وضعیت اول یک بلیط کنسرت ساده به طور باور نکردنی گران است.



A simple concert ticket is unbelievably expensive.

.....
وضعیت اول یک بلیط کنسرت ساده به طور باور نکردنی گران است.

It costs an arm and a leg.

.....
این هزینه یک بازو و یک پا است.

Situation two.

.....
وضعیت دو دو دانش آموز با تقریباً هیچ پولی در سراسر اروپا سفر می کنند.

Two students travel across Europe with almost no money.

.....
وضعیت دو دو دانش آموز با تقریباً هیچ پولی در سراسر اروپا سفر می کنند.

They travel on a shoestring.

.....
آنها بر روی یک کفش حرکت می کنند.

Situation three.

.....
وضعیت سه خانواده فقط درآمد کافی برای پوشش صورتحساب های ضروری خود دارند.

A family has just enough income to cover its essential bills.

.....
وضعیت سه خانواده فقط درآمد کافی برای پوشش صورتحساب های ضروری خود دارند.

They make ends meet.

.....
آنها به پایان می رسند.

Final situation.

.....
وضعیت نهایی در صورتی که ماشین شما نیاز به تعمیر غیر منتظره دارد، مقداری پول را کنار بگذارید.

You put some money aside in case your car needs an unexpected repair.

.....
وضعیت نهایی در صورتی که ماشین شما نیاز به تعمیر غیر منتظره دارد، مقداری پول را کنار بگذارید.

You save for a rainy day.

.....
شما یک روز بارانی را نجات می دهید.

Now choose one expression and make a sentence about your own life.

.....
حالا یک جمله را انتخاب کنید و در مورد زندگی خود یک جمله ایجاد کنید.

Quick recap.

.....
هزینه یک بازو و یک پا به معنی بسیار گران است Quick recap

Cost an arm and a leg means be extremely expensive.

.....
هزینه یک بازو و یک پا به معنی بسیار گران است Quick recap

On a shoestring means with a very small budget.

.....
در یک سبد کفش به معنای بودجه بسیار کوچک است.

Make ends meet means have enough money for essential living costs.

.....
پایان دادن به اهداف به معنی داشتن پول کافی برای هزینه های حیاتی زندگی است.



And save for a rainy day means keep money for a future difficulty.

صرفه جویی در یک روز بارانی به معنای حفظ پول برای یک مشکل آینده است.

Continue with Lesson Three through the direct link in the description.

ادامه درس سه تا از طریق لینک مستقیم در توصیف تمرین تعاملی آن به شما کمک می کند تا این عبارات را به جای تشخیص آنها بازیابی کنید.

Its interactive practice will help you retrieve these expressions instead of simply recognising them.

ادامه درس سه تا از طریق لینک مستقیم در توصیف تمرین تعاملی آن به شما کمک می کند تا این عبارات را به جای تشخیص آنها بازیابی کنید.

So, Martin, where are we going on holiday?

مارتین، کجا تعطیلات می رویم؟

Somewhere that does not cost an arm and a leg.

جایی که هیچ هزینه ای برای دست و پا ندارد.

On a shoestring?

روی یک کفش؟

On a very comfortable shoestring.

در یک کمد بسیار راحت

I am not sure that exists.

مطمئن نیستم که وجود داشته باشد.

Then we may need to save for another rainy day.

سپس ممکن است لازم باشد روز بارانی دیگری را نجات دهیم.

